

تهران شهر بی دفاع

حمیده امینی فرد
 خبرنگار



نهایت از چشم ما مور قطار می‌گریختند. تا اینکه بالاخره ماسک‌های نرخ مصوب به داخل ایستگاه‌های مترو راه یافت و البته سختگیری‌ها وهشدارها توانست بیش از ۹۵ درصد مسافران را متقاعد کند که حتماً ماسک بزنند. به عبارتی در این یکسال حمل‌ونقل عمومی، بیش از آنکه جزئی از فضای کالبدی شهر تعریف شود، پایگاه اجتماعی شهروندانی شده بود که در تغییر رفتار اجتماعی یکدیگر نقش جدی داشتند. با این همه نباید تاکسی‌ها را از این فرایند حذف کرد. ابلاغیه «و نفر مسافر در صندلی عقب» در نیمه‌های فروردین ماه، قطعاً چالش برانگیزترین بحثی بود که از همان ابتدا گریبان رانندگان تاکسی را گرفت! بعد از تقریباً یک ماه، به خاطر گران شدن نرخ کرایه‌ها البته صدای راننده‌ها بلند شد. مسافران اما از این طرح راضی بودند. تا اینکه نوبت به افزایش نرخ کرایه‌ها رسید و افزایش ۲۵ درصدی توانست تا حدودی سروصداها را بخواباند. اگرچه کمبود مسافر، بویژه در ماه‌های اول، شرایط سختی را پیش روی رانندگان تاکسی گذاشت و برخی از آنها به اجبار تنها دارایی یعنی خودروشان را فروختند تا از مهلکه کرونا جان سالم به در ببرند. تعدادی هم به علت بیماری‌های زمینه‌ای، به اجبار خانه نشین شدند و با این همه تا کنون نام حدود ۱۰۰ نفر از آنها در فهرست فوتی‌ها جا خوش کرده. اتفاق دردناکی که موجب شد شورای شهری‌ها خواستار اضافه شدن فهرست رانندگان در فهرست اولیه واکنشیون شوند.

■ دستفروشان را گریز در غائله کرونا

دستفروشان را نباید از غائله کرونا بیرون گذاشت. شکننده‌ترین گروهی که از خالی شدن خیابان‌ها و بی‌رغبتی مردم به خرید آسیب جدی دید و البته با همه این اوصاف نه تنها از تعدادشان کم نشد که اتفاقاً کرونا، حتی قوی‌ترین‌ها را هم به دام دستفروشی انداخت و موجب شد برخی مغازه دارها، صاحبان تولیدی و زنان خود سرپرست هم به علت وضعیت اقتصادی به این جمع اضافه شوند. کمک‌های معیشتی البته طی چند مرحله به حساب آنها که اسم شان در سامانه ثبت شده بود، واریز شد، اما حتی یارانه‌ها، وام‌های قرض‌الحسنه و بسته‌های مؤمنانه هم نتوانست بارسنگین هزینه‌های زندگی را از روی دوششان بر دارد. کاهش آمارفوتی‌ها و تا حدی رعایت پروتکل‌ها البته بازار خرید از دستفروشان را از چند ماه پیش کمی بر رونق کرد، اما هشدارها از آمدن موج چهارم کرونا، قطعاً ماه طلایی اسفند را برای آنها همچون سال گذشته سیاه خواهد کرد! دستفروشان مترو هم وضعیت مشابهی دارند. اگرچه ابتکار فروش ماسک و مواد ضدعفونی با نرخ‌های پایین‌تر کسب و کار آنها را نسبت به خیابان‌ها بهتر کرده است.

کرونا حتی چهره پسماند را هم در شهرها تغییر داد. تا جایی که تلاش‌های چند ساله برای کاهش زباله در پایتخت از ۷ هزار و ۵۰۰ تن به ۵ هزار تن با آمدن کرونا رنگ باخت و تولید زباله و عدم تفکیک (در ماه‌های اول) حجم پسماند را دوباره به عدد ۷ هزار تن در روز رساند که البته حجم قابل توجهی از ماسک‌ها، دستکش‌ها و ظروف یکبار مصرف و البته خانه نشین شدن شهروندان باعث این مسأله شده بود. اگرچه مجوز برای بازیافت زباله‌ها بعد از چند ماه رسماً صادر و این فرایند با رعایت پروتکل‌های بهداشتی از سر گرفته شد، اما بحث تفکیک و عدم تفکیک بویژه درباره افرادی که مبتلا به کرونا شده بودند، چالش‌های زیادی را به راه انداخت. افزایش حجم زباله‌های بیمارستانی و مراکز درمانی و نگرانی از نحوه امحای این نوع زباله هم در نهایت موجب شد تا در این زمینه سختگیری‌های بیشتری انجام شود. به روایت برخی آمارها میزان تولید زباله‌های عفونی در این دوران ۵ برابر شده است.

■ تعطیلی عروسی و عزا

کرونا در این یکسال بیش از آنکه شادی‌هایمان را نشانانه بگیرد و در تالارها و سالن‌های عروسی‌مان را ببندد، مراسم سوگواری‌مان را هدف قرار داد و اگر برای شرکت نکردن در مراسم شادی دلیل موجهی داشتیم اما تنها گذاشتن اقوام و آشنایان به وقت مصیبت، روح و روانمان را بشدت به هم ریخت. توصیه‌ها برای شرکت نکردن در مراسم سوگواری البته از بهشت زهرا شروع و طی چند مرحله از ورودی بستگان متوفی جز اقوام درجه اول جلوگیری شد. در دوران اوج حتی اجازه چیدن صندلی و چادر هم داده نمی‌شد. کانال‌های مجازی البته سریع دست به کار شدند و تیریک و تسلیت‌های حضوری خیلی زود جای خودش را به صفحات اجتماعی داد. تصویر اعلامیه‌های عزا شکل متفاوتی گرفت و البته کارت‌های عروسی مجازی هم به کمک عروس و دامادهای جوان آمد تا در این یکسال، صدای شادی کاروان‌های همراه عروس هم کم کم از پادمان برود.

درست یکسال پیش بود، ۳۶۵ روز پیش، سی‌ام بهمن ماه... یک روز، یک شایعه، یک خبر، یک ویروس... چهره شهرهایمان را تغییر داد... از همان روزی که باور کردیم غافلگیرانه در یک نبرد نابرابر، ایستاده‌ایم، لباس رزممان را پوشیدیم، شبیه همه مدافعان جنگ‌های خیالی، از وای سرزمین‌های چین باستان گذشتیم و به دنیای واقعی ویروس‌های عجیب آمدیم. از آن روز تا به همین امروز، تسلیم نشدیم، سخت جنگیدیم، تا نزدیکی‌های اسارت جلو رفتیم، اما برای «ماندن» کوتاه نیامدیم....

روزهای اول دست‌مان خالی بود، ویروس چنانمان را که نه! همه وجودمان را فشرده بود، کسب و کارهایمان تعطیل شده بود، جیب‌هایمان هم خالی.... ما در آستانه یک فروپاشی عمیق روحی بودیم، ویروس حالمان را تغییر داده بود، در شهرهایمان خبری از «شهروند» نبود، ما مانده بودیم و یک شهر بی‌صد! یک شهر سرد، یک شهر بی‌هوا....

سال که از نیمه گذشت، زیر پایهایمان خالی شد، تعداد فوتی‌هایمان به اوج رسید، نفسمان به شماره افتاد، بی‌تاب «ماندن» شدیم. ترس «نماندن» به چنانمان افتاد، فهرست از دست دادن‌هایمان زیاد شد... داغ «مادر»، «پدر»، «همسر»، «خواهر»، «برادر» و «فرزند» دیدیم، حسرت در آغوش کشیدن دوباره آنها (حتی روی خوراها خاک مزاری که می‌دانستیم جانورمانه، عزیزمان را به دستش سپرده‌ایم) به دلمان ماند، ما اما برای «زندگی» پافشاری کردیم، آنقدر که صدای اندوهمان خاموش شد، ناله‌هایمان درون سینه‌هایمان جا ماند و ما بالاخره از پشت سنگرهای سخت شهرهایمان بیرون آمدیم، از دروازه‌های دفاعی شهرمان گذشتیم و با شتاب به سمت نیمه‌های زمین دویدیم و در نهایت این ما بودیم که به خط حمله رسیدیم... واکسن که آمد، گمانمان به رفتن ویروس بود، ما آدم معمولی‌ها، حتی دلمان برای یک زندگی «نیمه معمولی» هم تنگ شده بود، اما میهمان نوازی مان، کار دوستان داد، راه را برای ماندگاری اش باز کرد، حالا ما نیمه جان شده‌ایم... شهرهایمان در آستانه سال جدید، رمقی برای چراغانی ندارند، اما می‌دانیم این پایان راه هیچ کدامان نیست، دیر یا زود ما قهرمان این مستند عجیب خواهیم شد....

■ متریکی از پازل‌های کرونا

حمل‌ونقل عمومی و بویژه مترو قطعاً یکی از مهم‌ترین بخش‌های پازل کرونا خواهد بود. اولین نقطه‌ای که هشدارها را متوجه خود کرد و معلوم شد که مهم‌ترین کار برای شیوع ویروس کروناست. کارشناسان تقریباً چند هفته بعد ازاینکه از شوک آمدن ویروس کرونا بیرون آمدند، هشدارها برای مراقبت‌های عمومی در مترو و اتوبوس را شروع کردند و جالب اینکه به‌سرعت از میزان مسافران حمل‌ونقل عمومی کاسته شد. بخشی از این کاهش البته مدیون آزاد شدن محدوده طرح ترافیک در اوایل سال بود که اگرچه بعد از مدتی با مخالفت مدیریت شهری روبه‌رو شد، اما با تغییر ساعت ماندگار ماند تا وضعیت حمل‌ونقل عمومی کمی بهتر شود. نتیجه آنکه میزان مسافران مترو از حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر پیش از کرونا به یکباره به کمتر از ۵۰۰ هزار نفر رسید و در ایام عید رکورد شکفت انگیز ۱۰۰ هزار نفر را هم ثبت کرد. در مقابل اما مردم که فضای نامن حمل‌ونقل عمومی را درک کرده بودند، به سراغ خودروهای شخصی رفتند و در نتیجه در نقاط مرکزی شهر، هجوم خودروها بر بار ترافیکی خیابان‌ها افزود و البته معضل جای پارک را هم به دغدغه‌های جدید شهروندان اضافه کرد. تا جایی که پلیس هم از این وضعیت شاکی شد و پارک‌های دوبل و چرخیدن‌های مدام خودروها برای پیدا کردن جای پارک، نگرانی‌ها را نسبت به افزایش میزان آلاینده‌ها بالا برد. معضلی که البته پایدار ماند و حتی زمانی‌که تعداد مسافران مترو به حدود ۸۰۰ هزار نفر رسید، باز هم ترافیک تهران را کلافه کننده نگه داشت و این سؤال جدی را به وجود آورد که چگونه است که هم حمل‌ونقل عمومی و هم خیابان‌ها در ساعات پیک به طرز وحشتناکی شلوغ و پیر تردند؟! سؤالی که البته هنوز بی‌جواب مانده است، چراکه تعطیلی مدارس، دانشگاه‌ها، کاهش تعداد کارمندان در ادارات و البته تا حدودی در بخش خصوصی و محدودیت‌های شبانه این انتظار را به‌وجود آورده بود که چهره ترافیکی تهران لااقل در این یکسال اخیر متفاوت‌تر از سال‌های گذشته باشد!

تصویر واگن‌های شلوغ، مسافران درهم تنیده، اتوبوس‌های پر از مسافر بویژه در خطوط ویژه، البته با هیچ یک از تلاش‌ها و راهکارها نتوانست از قاپ پایتخت حذف شود! کاهش تعداد اتوبوس‌های خصوصی به علت ضرر و زیان‌های ناشی از کرونا قطعاً در شلوغی اتوبوس‌ها نقش داشت، اما بیشترین انتقاد در حمل‌ونقل عمومی متوجه مسافرانی بود که بدون رعایت پروتکل‌های بهداشتی در صف شلوغی‌ها ایستاده بودند. اجباری شدن ماسک در مترو و اتوبوس قطعاً مهم‌ترین تصمیم کارسازانی بود که توانست تا حد زیادی از شیوع ویروس جلوگیری کند که البته نباید از نقش ضدعفونی کردن شبانه روزی حمل‌ونقل عمومی هم در این میان غافل شد. اگرچه مقاومت در برابر استفاده از ماسک و فرهنگسازی برای افزایش مسئولیت اجتماعی کار چندان ساده‌ای نبود. در روزهای اول اجرای این قانون، برخی لجبازانه ماسک‌ها را از جیب درآورده و بعد هم دوباره بر می‌داشتند، عده‌ای گران بودن ماسک را بهانه کرده و در

۱۹ بار شکسته شد و حتی اعداد فوتی‌ها در مرز ۵۰۰ مرگ نیز قرار گرفت.

پاییز ردیابی سهمگین به‌جای گذاشت و دیگر رمقی برای کادر درمان باقی نمانده بود. در نهایت ستاد ملی مقابله با کرونا از ۱۴ آبان ماه محدودیت‌های متوسط کرونایی را اعمال کرد و در اول آذر ماه طرح محدودیت‌های هوشمند در ۲۳ شهرستان قرمز کلید خورد. از آن روز فعالیت سه دسته کسب و کار و گروه شغلی در شهرهای با وضعیت قرمز کرونایی تعطیل شد. این اجبار در تعطیلی یک هفته‌ای مشاغل این بار هیچ شباهتی به هشدارها و توصیه‌های ۹ ماه گذشته نداشت. این بار سربچی از مهم‌ترین مصوبه ستاد ملی کرونا که تعطیلی مشاغل و اماکن در ۲۳ شهرستان کشور بود، مجازات و جریمه‌های سنگین از سوی مراجع قضایی را هم در بر داشت.

■ خیز کرونا به سمت موج چهارم

با افزایش تعداد آزمایش‌های تشخیصی، اعمال محدودیت تردد بین استانی و... بتدریج آمار بستری و فوت ناشی از کرونا بعد از یک پاییز پُرمرگ، کاهش یافت. ۴ بهمن ماه سختگوی ستاد ملی مقابله با کرونا اعلام کرد که روند بیماری از ۳۰ استان کشور نزولی شده و خوشبختانه هیچ شهر قرمزی نداشتیم. این کاهش تا جایی پیش رفت که همزمان با سالروز شیوع کرونا در کشور میزان مرگ و میر کرونایی پس از چندین ماه مجدداً روغمی شد.

اگرچه همه گمان می‌کردند تجربه تلخ اردیبهشت دیگر تکرار نمی‌شود و با ابتلای یک میلیون و ۵۲۶ هزار و ۲۳ نفر و فوت ۵۹ هزار و ۲۸ نفر بر اثر کرونا تا ۲۷ بهمن دیگر در مقابل کرونا درس گرفته‌ایم اما گویا به محض آنکه تعداد شهرهای قرمز کرونایی به صفر رسید و برخی شهرها به رنگ آبی و زرد و نارنجی تغییر رنگ دادند باز هم عده‌ای هشدارها را نشنیدند و جدی نگرفتند. ۸ بهمن امسال سختگوی وزارت بهداشت اعلام کرد، آمار رعایت پروتکل‌ها در استان تهران از ۸۱ درصد به ۳۹ درصد رسیده و خیز دوباره کرونا ۹ شهر کشور را قرمز کرده است. بدین ترتیب رنگ اعلان خطر برای آغاز یک چهارم کرونا در کشور به صدا درآمد که البته در سایه چرخش ویروس جهش یافته انگلیسی بحران نفسگیری را برای روزهای پایانی سال پیش‌بینی می‌کند. با این حال ایران در حالی در ابتدای گردنه پرنهتاب خیز چهارم کرونا قرار گرفته که فاز امیدوار و روید واکسن کرونا نیز به کشور شروع شده است.



شدا اما این روند چندان طولانی نبود و اگرچه در میانه‌های شهریور کمی از سرعت پیک دوم کاسته شد اما سفرهای آخر تعطیلات تابستانی، ترده‌ها به مراکز خرید و دورهمی‌ها و کم رنگ شدن استفاده از ماسک ورق را خیلی سریع برگرداند و با وجود تمام هشدارها پیک سوم به فاصله بسیار نزدیک با پیک قبلی موج سوم کرونا را در کشور موجب شد. اورژانس‌ها از مبتلایان خانوادگی پر شد و کم کم جنوب و شمال کشور به‌دلیل سفرها قرمز شد عواقب عدم رعایت محدودیت‌ها بدون ابزار قانونی پاییز سیاه کرونایی را در کشور رقم زد و با مرگ ۲۸ هزار و ۵۸۹ نفر در سه ماهه پاییز مهم‌ترین روزهای کرونایی ثبت شد. آمار روزانه مرگ و میر ۷ آبان برای اولین بار به بیش از ۴۰۰ نفر رسید به‌طوری که در آبان رکورد موارد مرگ و میر ۹ بار شکست شد



این بازگشایی به معنای حضور اجباری دانش‌آموزان نبود و همان روزها وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد که با اجازه ستاد ملی مقابله با کرونا امتحانات نهایی خرداد ماه هم به‌صورت حضوری برگزار می‌شود. در طول تابستان هم سناریوهای مختلف آموزشی برای بازگشایی مدارس نوشته شد. در این سناریوها البته تقویم آموزشی تغییر کرد و درهای مدارس به‌جای اول مهرماه در روز ۱۵ شهریورماه باز شد. وزیر آموزش و پرورش برای دومین بار خبر از بازگشایی سراسری مدارس داد و اعلام کرد: «همه مدارس کشور از ۱۵ شهریورماه جاری با رعایت شدیدترین پروتکل‌های بهداشتی بازگشایی می‌شوند، فاصله دانش‌آموزان حداقل یک متر و زمان کلاس‌های درسی نیز حداکثر ۳۵ دقیقه خواهد بود.» البته این بازگشایی با استقبال خانواده‌ها و دانش‌آموزان مواجه نشد. خیلی از دانش‌آموزان در خانه ماندند و از طریق شاد آموزش را پیگیری کردند. اولین مهرماه هم که کرونا به اوج رسید ستاد ملی مقابله با کرونا، مدارس مناطق

و پرورش هم این موضوع را تأیید کردند و گفتند که سه میلیون و ۵۰۰ هزار دانش‌آموز دسترسی به شاد ندارند. در چنین شرایطی مسئولان از شبکه آموزش هم استفاده کردند اما همچنان معلمان و فعالان تعلیم و تربیت نگران افزایش ترک‌تحصیل دانش‌آموزان به‌خاطر نداشتن گوشی هوشمند بودند. همین موضوع موجب شد تا آخرین مدرسه‌ساز، آخرین و فعالان اجتماعی استانی دست به کار شوند. کمپین‌های مختلفی راه‌اندازی شد و خبرین از مردم دعوت کردند تا با اهدای گوشی و تبلت دست دوم و بدون استفاده‌ای که در خانه دارند، زمینه تحصیل دانش‌آموزان محروم را فراهم کنند.

این موضوع البته یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های مسئولان آموزش و پرورش هم بود. در طول این یک‌سال که کرونا وارد کشور شده است مسئولان وزارت آموزش و پرورش سه باری تلاش کردند تا به نوعی مدارس را بازگشایی کنند. اولین بار ۲۷ اردیبهشت ماه ۹۹ بود که درهای مدارس به روی دانش‌آموزان باز شد، گرچه

